

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

آزاد. ل

۲۹ سپتمبر ۲۰۱۲

## جبر و اختیار؟؟؟ قضا و قدر؟؟؟

### بخش پنجم

**سوره احزاب آیت ۵۱:** (از زنان خود هر که را خواهی به نوبت مؤخر دار و هر که را خواهی با خود نگهدار و اگر از آنها که دور داشته ای یکی را بطلبی بر تو گناهی نیست در گزینش و اختیار باید که شادمان باشند و غمگین نشوند و از آنچه که همگی شان را ارزانی می داری باید که خوشنود گردند و خدا می داند که در دلهای شما چیست و خداست که دانا و برد بار است.) بلی خواننده محترم این آیت قرآن است که خداوند برای هموابی محمد با زنهایش توسط جبرئیل به او وحی نموده است!! **سوره احزاب آیت ۵۲:** (بعد از این «زنان» هیچ زنی بر توحلال نیست و نیز زنی به جای شان اختیار کردن هر چند ترا از زیبایی او خوش آید مگر آنچه به **غنیمت به دست تو** افتد و خدا مراقب هر چیزی است...) و این آیت دوم بعد از جدال خانوادگی عایشه خانم دلخواه محمد روی هموابگی محمد با کنیزش در اتاق حفصه دختر عمر یکی دیگر از خانمهای محمد به وجود آمده بود نازل شده تا سبب خاموشی خشم عایشه گردد. اما در همین آیت هم خداوند به اصطلاح (پای گنجشکی) با آوردن جمله ای (مگر آنچه به غنیمت به دست تو افتد) گذاشته است تا وقتی که محمد در جنگها سر می زند و دخترها و زنان قشنگ سران قبیله مفتوحه را عقد می کند، آزادانه عمل نماید. معذرت می خواهم از اینکه جهت صحبت به طرف دیگر کشانیده شد. برای معلومات مفصل در این مورد لطفاً به نوشته اینجانب زیر عنوان (بر رسی مختصر قرآن – بخش چهارم – قرآن، محمد و زن -. بخش دوم) که در آرشیف همین پورتال آزادگان ثبت است مراجعه نمایند.

خواننده گرامی با در نظر داشت نوشته های قبلی ام توجه خواهند فرمود که خدائی را که محمد معرفی می دارد از رحیم و غفور بودن او اثری نیست همه اش خون و خون است. او خدائی است که از خون و بوی گوشت سوخته ای بدن انسانها خوشش می آید؟؟ مگر چنین نیست؟؟ رحیم و غفور، حکیم، رحمن، ستار و..... بودن او همه شامل پائین تنه جناب پیامبر شان شده است؟؟!!

حال ببینیم در علم ازلی خداوند چنین واقعات و جنگهایی را که محمد مرتکب شده و مندرج قرآن گردیده قبلاً تعیین و مشخص گردیده بود یا نه؟؟ و محمد مطابق قضا و قدر الهی و خواست او مجبور بوده چنان اعمالی را انجام دهد و همچنان این قضا و قدر الهی بوده که این کافران و بنده های که پیرو محمد نبودند باید سر بریده می

شدند. زندگی‌شان باید تاراج می‌گشت؟؟ به نوامیس‌شان تجاوز صورت می‌گرفت؟؟ چونکه سر نوشت‌شان را خداوند چنین تعیین نموده بود!! و مردم مظلوم نمی‌توانستند عملی خلاف آنچه خداوند پیش‌بینی نموده و سر نوشت‌شان را را چنان ساخته سر بزند چون خلاف اراده و مشی الهی خواهد بود. مطابق آیت ۱۴۳ سوره نساء آن شخص را خداوند به گمراهی برده است و مطابق حرف خود خدا هیچ کسی نمی‌تواند او را به راه راست هدایت نماید. هیچ‌کس به شمول پیامبران. چون خداوند فراموش نموده کلمه (جز پیامبران) را در آیت قرآن اضافه نماید و در این صورت موجودیت ۱۲۴۰۰۰ پیامبر، نبی و رسول که هزاران سال از خون و گوشت و زندگی مردم تغذیه نموده اند، اگر گناهکار نشوم اشتباه خداوندی است؟؟ وقتی خودش یعنی خدا مطابق همین آیت فوق چنین استدلال می‌کند همه در ها بر روی بشریت دین پرور بسته شده و نا امیدانه باید و حتماً خود را به دست تقدیر الهی بسپارند؟؟

همچنین مطابق **آیت ۵۱ سوره احزاب** خداوند چنین سر نوشتی را برای محمد تعیین نموده بود که باید فلان روز فلان ساعت محمد با ماریه کنیز خود جماع کند و یا این که با دیدن بدن لخت زینب خانم زید پسر خوانده اش عاشق او شده و سبب گردد تا زید او را طلاق داده و مطابق آیات قرآن و هدایت خدا با او ازدواج نماید!!؟؟ یعنی محمد از روی شهوت چنین کاری نکرده بلکه مجبور به آن عمل بوده چون خداوند در علم ازلی خود چنین عملی را جزء مقدرات برایش قرار داده است و نه همه می‌دانند که پیامبر خدا که برای رهنمائی بشریت آمده است دست به چنین اعمال نا شایسته نمی‌زند؟؟

تا اینجا نظریه جبریان که قبلاً از آن یاد آوری شد دیده می‌شود که با قضا و قدر الهی کاملاً مطابقت داشته و انسان از خود اختیاری ندارد. اجباراً و قهراً خداوند او را به راهی برده و یا خواهد برد که قبل از خلقتش پیش از پیدایش همه هستی برایش تعیین نموده است و انسان هیچ کاری به جز اجرای اعمالی از قبل تعیین شده نمی‌تواند انجام دهد؟

کنون اگر ازین دیدگاه خود و مکلفیت‌های خود را در جریان ایامی که به نام زندگی بر ما تحمیل شده بر رسی داریم به این نتیجه خواهیم رسید که ما بدون خواست و میل خود ما در یک محیط جغرافیائی مشخص پا به وجود گذاشتیم یعنی محصول عشق بازی دونفر بودیم. در رشد بدنی و فکری، صحت و غیر صحت، کار خوب و بد و... خود و جامعه که در آن زندگی داریم رولی نداشته و نداریم و هر عمل ما قبلاً تعیین شده و ما مجبور به گام گذاشتن در آن مسیر هستیم سؤالاتی در مغز ما خطور می‌کند پس این همه پیامبر و کتاب‌ها که آن را آسمانی هم می‌گویند چرا پیدا شده و یا فرستاده شده است؟؟ چون با قبول این باور که در فوق ذکر شد هیچ پیامبر و کتابی نمی‌تواند ما را از مسیر اصلی ما که همان پیروی نمودن از آنچه به علم خدا قبلاً برای ما تعیین شده است دور سازد. دوم این که چرا ما به جنت و یا دوزخ برویم؟؟

تا اینجا زیر هدایت و رهنمائی کسانی که معتقد به جبر هستند و قضا و قدر الهی را تعیین کننده می‌دانند آمدیم. کنون ببینیم آنانی که منکر جبر بوده و اختیار داشتن انسان‌ها را در تعیین سرنوشت خو و اختیاری بودن اعمال‌شان را تبلیغ می‌دارند، چی می‌گویند؟ تا اسلام و ادیان دیگر را از بی‌آبرویی که نصیبش شده نجات دهند؟؟ چون تنها در این صورت است که آن‌ها می‌خواهند و تلاش دارند تا پیدایش ۱۲۴۰۰۰ پیامبر را لازم و خیالی بودن آن را جامعه حقیقت پوشانیده و جنت و دوزخ رفتن انسان‌ها را مربوط به اعمال خود‌شان سازند.

اندیشه اختیار در شکل تفویض پشت همان سکه ای است که آنروی آن جبر و قضا می‌باشد. باید در نظر داشت که پایه‌های شریعت و یا قانون اسلامی عبارت است از قرآن، سنت پیامبر که در حدیث جمع

بندی شده، علم اجماع و قیاس که زیاد تر مسلمان در علم اجماع علاقه‌مند بوده و تکیه گاه اصلی شان را در مباحث تشکیل می دهد چون راه گریز از واقعیت و سفسطه جوئی در مسایل را باز می گذارد و آن‌ها به فکر این که می توانند با استفاده از این فن اسلام را به شکل مدرن آن جا بزنند به آن علاقه‌مندی دارند (درین مورد در بخشی دیگری گفت و گو خواهیم نمود ) فعلاً به همین اکتفا می داریم که آنان فکرمی کنند با نوعی تعبیر نو و خلاقه ولو با مشکلات هم باشد می توانند تعبیر قرن بیست و یکمی از قرآن به مردم ارائه دهند و این خیلی‌ها هم مشکل خواهد بود تا از همچو خرافاتی گنگ، بی مفهوم ضد و نقیض و مجموعه ای از موهومات تورات و اناجیل را در چوکات هدایات قرآنی چیزی بهتر و خوبتر از ۱۴۰۰ سال قبل درست نمود . چون قرآن و شریعت نتیجه یک سلسله زور گوئی ها و چپاول هستی ملت‌ها می باشد که به شکل مستبدانه و غیر انسانی بر ما تحمیل شده و امروز می خواهند آن را با داشتن محتویات بربریت قرون وسطائی بر ما به شکل مدرن آن تحمیل دارند

اسلام دینی است خیلی‌ها هم موهوم، خیالی و موضع گیری های غیر انسانی در مقابل انسان‌های غیر مسلمان و دیگر اندیشان مخصوصاً زنان و بردگان!!؟؟

اسلام دینی است که همه‌اش از آداب ادرار و مدفوع نمودن و دعا خواندن، روش غذا خوردن، لباس پوشیدن، کار کردن، عشق بازی نمودن و دعا نمودن تا شیوه و روش اندیشیدن را بر انسان تحمیل میکند؟؟ اما با تحلیل خیلی ساده می توان پی برد که خود اسلام مدرنیزه شدن را رد می کند چون از اختلاف نظر می ترسد . با خرد و اندیشه انتقادی می ستیزد، از مخالفین خوشش نمی‌آید.

ابوالعلا المودودی هندی که بعد تر می توان او را پاکستانی گفت در آثارش مثل (جهاد در اسلام) (اسلام و جاهلیت) مدرنیزه ساختن اسلام را خطرناک و نا مناسب برای اسلام تحلیل نموده است . سید قطب اندیشمند مصری تا حدی زیر تأثیر همین اندیشه مودودی ادعا نمود که ( استیلا باید تنها به الله باز گردد.) یعنی جهاد در راه الله. ضد مدرنیته و برقرار نمودن حکومت الهی بر روی زمین) در قسمت آخر این مبحث به نتیجه نسبی که می رسیم این خواهد بود که : انسان آزاد است و اختیار در اعمال خود دارد؟؟ چی خوب باشد چی بد؟؟ این که انسان هیچ اختیاری در سیر مرحله های زندگی‌اش ندارد و آنچه برایش در علم ازلی خداوند تشخیص و اراده و مشیت الهی رفته به آن باید عمل کند؟؟ این که انسان می تواند خود راهی برای خود و زندگی انسانی انتخاب کند ولو این که خلاف مشیت الهی باشد؟؟ انسانها و جامعه نمی تواند تغییر مثبت یا منفی نماید خلاف آنچه مقدر شده است؟؟ یا این که انسان سازنده است و خالق؟؟

هموطنان شریف!! بیائید در ین باره!! در باره موضوعات سرنوشت ساز جامعه انسانی با هم شرافتمندانه و انسانی صحبت داریم و راه حقیقی انسانی را در یابیم و این ایده نمی تواند تحقق یابد مگر این که همه ما با احساس انسانی، شرافت انسانی و فهم وجودان انسانی در باره صحبت نماییم؟؟ بیا ئید از همه شما دعوت می نمایم دیگران را روشن سازید!! و بگوئید دین و مذهب رهکشای مشکلات جوامع انسانی می تواند باشد؟؟ یا خود مشکل آفرین بوده و مانع پیشرفت‌های انسانی می باشد؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

و در اخیر باید عرض بدارم هر که هر چی می داند و خاموشی اختیار می نماید به عقیده بنده خیانت بزرگی است که به بشریت عرضه می دارد؟؟؟؟

پایان

منابع :

جبر و اختیار نوشتۀ محمد تقی جعفری  
اصول کافی جلد اول  
بحارالانوار ج ۵  
الاقتصاد فی الاعتقاد – غزالی  
اتحاد طلب و اراده – ملا خمینی  
المحیط بالتکلیف – قاضی عبدالجبار  
محاضرات فی اصول الفقه – محمد اسحاق فیاض  
نهایه الدرايه- محقق اصفهانی  
دانشنامه قرآن – بهاءالدین خر مشاهی  
قرآن  
التوحید – شیخ صدوق  
تاریخ الخلفاء – سیوطی